

کتاب مجمع جہان فی فضیلت میان حال و خیال

رسالہ غریب عالم عجیب آدمی قواعد صرف محتوی فوائد شکر بنی شل ایک

تصنيف بسيان نظامي جامعي خرمين ميرالدين خاني هرگاموي مطبع الانبيا بمطبعه سيد وقتي

واقعہ مسکن کربلا شہیدیاں و حسین بن علی رضی اللہ عنہما طبع شد

PE7357



حیدر دان گفتن بهترین از کلام
بعد حمد و ثنات این نظم ده و دو علم صرف
فعل می باشد ثلاثی با راعی بی سخن
مثنائی مجرور راسته وزن آن مدحست
راوی فعل مضارع جان صبر کرد عجز
از پیش فعل هم است فعل است

[illegible]

[illegible]

این کلمات و اثبات از معروف و مجهول و
سیزده صیغه بهر یک از هفت صوب الیه
واحد از غایب است که آنکه باشد بی علم
از برای تشبیه لمق مبر و شد الف
ت بواحد حاضر آمدت بواحد حاضر ه
باشما تشبیه شان شد و از حکایت است
آخر اضحی بود مفتوح با و اوست ضم
چون مضارع خواهی آتین حرفی کن
یک فاعل در ثلاثی مجرد خوان سکون
هم بحر آتین بر در چهار حرفی ضم خوان
اصل کیم دان با گرم بهره او افتاد

نقش خواندن از فزون تا نافی بر هر که ام
شتر که سه خاص باقی شد مقرر غنم
واحد از غایب است شد لسا کتا تم
جمع بر با و او مدح انشی مع ن ام
جمع این باقی جمع آن شتم دارم
ت بواحد تا بغیرش نر و شتم
باضمیر ذمی التکرر شد سکون ل اتم
بر همه و زان ضمی فع آخر بر اام
که قبل آخر بخوان و غیر آن
فتح اندر سوی معروف آمد مستفاد
را اجتماع بهترین اندر اگر مر التمام

نقش خواندن از فزون تا نافی بر هر که ام
شتر که سه خاص باقی شد مقرر غنم
واحد از غایب است شد لسا کتا تم
جمع بر با و او مدح انشی مع ن ام
جمع این باقی جمع آن شتم دارم
ت بواحد تا بغیرش نر و شتم
باضمیر ذمی التکرر شد سکون ل اتم
بر همه و زان ضمی فع آخر بر اام
که قبل آخر بخوان و غیر آن
فتح اندر سوی معروف آمد مستفاد
را اجتماع بهترین اندر اگر مر التمام

[illegible]

آنچه خوانی بر هر دو تین صنفه اسپس
 بر یکی را باز ده صنفه تحقیق است
 دو حکایتی از خبره بود بر واحدش
 چهار را یا و خور را یا نه ان غایب دگر
 کن الف و تثنیه از غایب حاضر حق
 یا سخی ^ع در خوانی در واحد و حاضر
 نون عربی بود و مضارع بعد از او و یا
 جمع انشی را ازینها نون مفتوحه نشأت
 و ان لانی مضارع و ان نمیشدش تغیر
 جحدش از علم جائزه کو بنجرم سازد و را
 نفی تا کی گیده و فعل مستقبل بکن ^ع

فتح بر اقبل خیرات مجهول نظام
 چار شترک است باقی خاص مضارع
 نون بود و غیر واحد روانی مهم
 جمع انشی از غایب چارم تا باقی راجع
 بنجرم نون را ازینها و او نون ه التیام
 بعد بر سر نیز نون و نون عربی ختام
 بعد از ان مکسور باشد نون و که بنجرم
 ساکن آمد قبل ازین نون و نون و نون
 بنجرم پیش کلمات منفی نماید بر انام
 و ریختن با سکون بان حذف در نون
 کو و را ناصب و بر ضمه شد کالهنرام ^ع

چون خوانی علامت مضارع
 بر یکی را باز ده صنفه تحقیق است
 دو حکایتی از خبره بود بر واحدش
 چهار را یا و خور را یا نه ان غایب دگر
 کن الف و تثنیه از غایب حاضر حق
 یا سخی ^ع در خوانی در واحد و حاضر
 نون عربی بود و مضارع بعد از او و یا
 جمع انشی را ازینها نون مفتوحه نشأت
 و ان لانی مضارع و ان نمیشدش تغیر
 جحدش از علم جائزه کو بنجرم سازد و را
 نفی تا کی گیده و فعل مستقبل بکن ^ع
 فتح بر اقبل خیرات مجهول نظام
 چار شترک است باقی خاص مضارع
 نون بود و غیر واحد روانی مهم
 جمع انشی از غایب چارم تا باقی راجع
 بنجرم نون را ازینها و او نون ه التیام
 بعد بر سر نیز نون و نون عربی ختام
 بعد از ان مکسور باشد نون و که بنجرم
 ساکن آمد قبل ازین نون و نون و نون
 بنجرم پیش کلمات منفی نماید بر انام
 و ریختن با سکون بان حذف در نون
 کو و را ناصب و بر ضمه شد کالهنرام ^ع
 در این کتابی علامت مضارع
 بر یکی را باز ده صنفه تحقیق است
 دو حکایتی از خبره بود بر واحدش
 چهار را یا و خور را یا نه ان غایب دگر
 کن الف و تثنیه از غایب حاضر حق
 یا سخی ^ع در خوانی در واحد و حاضر
 نون عربی بود و مضارع بعد از او و یا
 جمع انشی را ازینها نون مفتوحه نشأت
 و ان لانی مضارع و ان نمیشدش تغیر
 جحدش از علم جائزه کو بنجرم سازد و را
 نفی تا کی گیده و فعل مستقبل بکن ^ع
 فتح بر اقبل خیرات مجهول نظام
 چار شترک است باقی خاص مضارع
 نون بود و غیر واحد روانی مهم
 جمع انشی از غایب چارم تا باقی راجع
 بنجرم نون را ازینها و او نون ه التیام
 بعد بر سر نیز نون و نون عربی ختام
 بعد از ان مکسور باشد نون و که بنجرم
 ساکن آمد قبل ازین نون و نون و نون
 بنجرم پیش کلمات منفی نماید بر انام
 و ریختن با سکون بان حذف در نون
 کو و را ناصب و بر ضمه شد کالهنرام ^ع

مانده توج انش با لم ولن برقرار
 تون گیل ز پسین با لام گیل سخت
 تون تقیله بعد الف سر جا که مکسور خوان
 ز ضمیر واو ویا گر ضم و کسر قبل و
 قبل ان و تشبیه و جمع انش شد سکون
 کسره در واحد مونث حاضر قبلین و
 بعد نون جمع انش یک الف و ف و ن و شمر
 شد خفیفه چون تقیله یکنا بدع الف
 یکنا از آرسی در اجوف واو ویا افتاد
 امر گر خواهی پس از تسکین آخر حذف
 یک بعد از حذف اگر ساکن مجاز بتدا

تون ان عربی هر دومی پذیرد انقصام
 آمده فعل مستقبل بی تا کی کام
 آمده مفتوح اندا سومی در هر مقام
 گم شود چون ان عربی رود از رسم نام
 ضمیر جمع مذکر قبل آن باشد مدام
 فتح قبلش در صیغ ماقی نحو الی الکلام
 فصل در میان هر دو نون عین الکلام
 امر و هم نمی اندرین دو چون مضارع و کلام
 در مثل قولن یا یعن دارد از کام
 حرف آئین از مضارع حاضر می تمام
 همزه و صلی می در رخ چو بند زین نام

۱۲
 تینیم ده اصل از زبان هند تقیله است و تینیم است

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible]

باید که در کسر اندرین مصدر با که جمع
 کون و واحد است جمع گشتیش الف
 و فاعل با فاعل هزه گرد و خود اخیر
 لین لام کلمه تدرو قف و نریش وقت
 مده زاید بعد الف در جمع هزه می شود
 ایوه آخر در فحول جمع باشد بعد کسر
 یوم هم پیش ضم چون و در پیشتر
 ی لام اسم فعلی و او گرد و بی گمان
 و حرف اجتناس یک در کلمه شایسته
 برادرش جبار است و از تشاعش متمنع
 نیکو کنی و در نه حرکت نقل کن

هم پیشتر احیاء تعلیل بنیاد شناسم	باید که در کسر اندرین مصدر با که جمع
یا شود همچون با ضیق هم قیدیم و قیام	کون و واحد است جمع گشتیش الف
گز افش پیش پس شد حرف علت نهادم	و فاعل با فاعل هزه گرد و خود اخیر
باز آید از ضمیر و نون تاکید آن بلام	لین لام کلمه تدرو قف و نریش وقت
خود الف زاید پیش و او گرد و در دوام	مده زاید بعد الف در جمع هزه می شود
همچو لین در ظرف هزه بعد الف آمد طغام	ایوه آخر در فحول جمع باشد بعد کسر
یا شود چون و او بجای کسر در ظرف می نام	یوم هم پیش ضم چون و در پیشتر
و او لام اسم فعلی بگرد و مستدام	ی لام اسم فعلی و او گرد و بی گمان
از وجوب حرکت فی است واجب و غام	و حرف اجتناس یک در کلمه شایسته
و مثل زید و از زید و مون آمد پیام	برادرش جبار است و از تشاعش متمنع
سوی قبش اگر ساکن صحیح است جسام	نیکو کنی و در نه حرکت نقل کن

باید که در کسر اندرین مصدر با که جمع
 کون و واحد است جمع گشتیش الف
 و فاعل با فاعل هزه گرد و خود اخیر
 لین لام کلمه تدرو قف و نریش وقت
 مده زاید بعد الف در جمع هزه می شود
 ایوه آخر در فحول جمع باشد بعد کسر
 یوم هم پیش ضم چون و در پیشتر
 ی لام اسم فعلی و او گرد و بی گمان
 و حرف اجتناس یک در کلمه شایسته
 برادرش جبار است و از تشاعش متمنع
 نیکو کنی و در نه حرکت نقل کن

اصول اخلاص

باید که در کسر اندرین مصدر با که جمع
 کون و واحد است جمع گشتیش الف
 و فاعل با فاعل هزه گرد و خود اخیر
 لین لام کلمه تدرو قف و نریش وقت
 مده زاید بعد الف در جمع هزه می شود
 ایوه آخر در فحول جمع باشد بعد کسر
 یوم هم پیش ضم چون و در پیشتر
 ی لام اسم فعلی و او گرد و بی گمان
 و حرف اجتناس یک در کلمه شایسته
 برادرش جبار است و از تشاعش متمنع
 نیکو کنی و در نه حرکت نقل کن

و برود قبشش محو کیا کہ ساکن مدوین

در دو حرف زد و کلمه از غامس کن و این است

در دو متحرک اگر با قبل متحرک بود

زین آں شبیدنه این اغام گرو و متبع

تبع الامام عادل بن الحارث بن اسد

آله اندر مرضا عفو قلب اند بعض جا

فرزندم معظم گفته ام این نظم را

خبر گفتیم که گویای هیچ و نیم نامش را گو

۱۲

بیت شکرین اندر آن بے ثقل فلا و خا

نغمه گریه و آه ساکن ای خوشبخت

پاکیده خود و جوانا و غام را گیر و نه

ہمچو اضر بشرجاب کبریم قال الحمد
۵۹

باسمہ تعالیٰ آمین

پنجین ریاض بنی اسلم

فتاویٰ تاریخ خوان منہ طومر میاں

بجام رساله بنفیه نام منظمه و مرتبه

خاتمه الطبع المملىد که درین ایام بهینت فرجام رساله فیضیای نام منطوقه منتهی

نام مستضی قواعده صرف حاوی فوائد شکر و تصنیف لطیف و بالیف شریف

قدوة المحققين عمدة الموفقين بهيأته النظامي وجامي حضرت مسیح موعود السلام

LYDL

19150112

CALL No. ۳۳۳ ACC. NO. ۷۳۵۷

AUTHOR معزالدین عسکری

TITLE منظرہ شریف

۳۳۳ 19150112 ۷۳۵۷

معزالدین عسکری

منظرہ شریف

Date	No.	Date	No.



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over-due.

